

بسم الله الرحمن الرحيم

حوزه علمیه معصومیه

موضوع :

غفلت از دیدگاه قرآن

استاد مربوطه:

سرکار خانم سمیه آهنگران

نگارنده:

پریسا مددی

چکیده:

از امور مهمی که ممکن است دامن‌گیر هر کس شود و او را از سعادت دنیا و آخرت ساقط سازد، غفلت و بی‌توجهی و بی‌خبری است. در این پژوهش سعی شده است که واژه غفلت را در قرآن مورد بررسی قرار داده چرا که از زمان خلقت آدمی با کلمه غفلت روبرو بوده است، اما با توجه به خصوصیات و روحیاتی که در او نهفته است، از آن غافل بوده و نسبت به غفلت خود در بسیاری از موارد جهل و چه بسا تعصب داشته است از این رو عوامل غفلت و پیامدهای آن و شیوه درمان آن را مورد مطالعه قرار داده و سعی بر آن است که غفلت را به افراد شناسانده و پیامدهای مخرب آن را که گریبان‌گیر فرد شده است را مورد شناسایی قرار داده تا در صدد درمان خویش برآید.

این کلمه در قرآن ۳۵ مورد به کار رفته است که ۵ مورد خود واژه غفلت و ۳۰ مورد مشتقات آن می‌باشد.

ابتدا واژه غفلت را در قرآن پیدا کرده، سپس مفاهیم و سوالات و اشارات مربوط به کتب تفسیری چون المیزان، نمونه، نور و مجمع البیان را استخراج می‌کنیم.

کلیدواژه : قرآن - غفلت - روایت

فهرست مطالب:

مقدمه

بخش اول: کلیات

فصل اول: طرح تحقیق

۱-۱-۱- موضوع تحقیق

۱-۱-۲- پیشینه تحقیق

۱-۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

۱-۱-۴- اهداف و کاربرد های تحقیق

۱-۱-۵- سوال های تحقیق

۱-۱-۶- فرضیه های تحقیق

۱-۱-۷- ساختار تحقیق

۱-۱-۸- روش تحقیق

فصل دوم: تعاریف

۱-۲-۱- معنای غفلت

۱-۲-۲- غفلت در قرآن

۱-۲-۳- وارستگی خدا از غفلت

۱-۲-۴- غافلگیر کردن انسانها خلاف سنت الهی

۱-۲-۵- وارستگی پیامبران از غفلت

بخش دوم: عوامل، پیامدها و درمان غفلت

فصل اول: عوامل غفلت

۱-۱-۲ عدم ایمان

۲-۱-۲-۲ دروغ انگاشتن آیات و غفلت ورزیدن

۲-۱-۳-۲ تکبر

۲-۱-۴-۲ فراموش کردن مرگ

۲-۱-۵-۲ کفر

۲-۱-۶-۲ غفلت از آیات الهی

۲-۱-۷-۲ تعصب و جهل

۲-۱-۸-۲ وابستگی شخصی و مادی

۲-۱-۹-۲ حجاب و طبیعت زمان

۲-۱-۱۰-۲ پیروی از شیطان

۲-۱-۱۱-۲ فراموش کردن خدا

۲-۱-۱۲-۲ رابطه هوا پرستی و غفلت از خدا

فصل دوم: پیامدهای غفلت

۲-۲-۱-۲ تهاجم دشمن

۲-۲-۲-۲ دوزخ و سرنوشت غافلان در آیات

۲-۲-۳-۲ پشیمانی

۲-۲-۴-۲ انحطاط و سقوط جامعه

۲-۲-۵-۲ یاس

فصل سوم: درمان غفلت

۱-۲-۳- یاد قیامت

۲-۲-۳- یاد نعمت ها

۳-۲-۳- ذکر خدا

۴-۲-۳- موعظه، پند، اندرز، مهلت

۵-۲-۳- عبرت از تاریخ

۶-۲-۳- یاد اوری دائمی هدف

نتیجه گیری

منابع و مآخذ

مقدمه:

رذایل اخلاقی فردی و اجتماعی زیادی وجود دارد که انسان از انجام آن نهی شده است. قرآن کریم به این رذایل توجه زیادی نموده از جمله آنها می‌توان به غفلت اشاره کرد. غفلت خطایی است که به خاطر عدم محافظت و هوشیاری از انسان سر می‌زند. روشهای مختلفی برای پرداختن به واژه های قرآنی وجود دارد، مثلاً یکی از آن روشها معناشناسی واژه است که می‌توان به ارتباط آن واژه با واژه‌های نزدیک و هم معنا و بررسی آنها از نظر مترادف اشاره نمود که در این مقاله ما تنها به بررسی ابعاد و جنبه‌های مختلف واژه غفلت پرداخته‌ایم. حال در این زمینه سه سؤال اساسی مطرح می‌شود که در این مقاله سعی شده با توجه به کتب تفسیری شیعه و سنی به پاسخگویی این سؤالات پرداخته شود.

(۱) انسان فطرتاً خداجوی می‌باشد. از این سو چه عاملی سبب می‌شود انسان از ذات و اصل خویش دور شود و دچار غفلت و بی‌توجهی و اموری گردد که او را از کمال باز دارد؟

(۲) کسانی که دچار بیماری غفلت می‌شوند به تدریج پیامدها و اثری در روح و جسم آنان نمایان می‌شود و از لحاظ دنیوی و اخروی چه جایگاهی برایشان دارد؟

(۳) با توجه به عوامل و پیامدهای غفلت برای این رذیله فردی و اجتماعی چه راهکارهایی ارائه شده است که انسان را از این آفت دور سازد و او را به کمال انسانی خود نزدیک گرداند؟

لذا در این پژوهش، مجال تبیین واژه غفلت به صورت تفصیلی در کل قرآن نبوده است، از این رو بررسی دیگر جنبه‌های غفلت در قرآن به شیوه تفسیر موضوعی برعهده علاقه مندان گذاشته می‌شود.

بخش اول:

کلیات

فصل اول :

طرح تحقیق

۱-۱-۱- موضوع تحقیق:

غفلت از دیدگاه قرآن

۱-۱-۲- پیشینه تحقیق:

در زمینه پیشینه تحقیق باید گفت کتاب های متعدد و نیز مقالات بسیاری در مورد کار نگاشته شده است که هر کدام جنبه های غفلت را مورد بحث قرار داده برخی از آنها عبارتند از فرهنگ جاودان المیزان و فرهنگ راغب اصفهانی و فرهنگ معجم المفهرس و در کتاب های تفسیری شیعه تفسیر المیزان، نمونه، نور و در کتب تفسیری اهل سنت تفسیر مجمع البیان و تفسیر الکشاف و چند تفسیر دیگر به این واژه در زوایای مختلف پرداخته اند و همچنین مقالاتی در مورد عوامل و پیامدهای غفلت نوشته شده اما مقاله ای به طور مستقل که در آن به همه آیات غفلت اشاره کرده باشد نوشته نشده است.

۱-۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق:

از آنجا که غفلت در درجه های مختلف در بسیاری از افراد وجود دارد کمتر مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از افراد نمی دانند که به غفلت دچار هستند و اگر این منابع شناخته نشود فرد نمیتواند به درمان خود پردازد و ممکن است به درجه های بالاتری از غفلت دچار شود و پیامدهای مخرب غفلت گریبان او را بگیرد لازم است غفلت مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد و چه بهتر که این منابع در آیات روشنگر قرآن هرچه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱-۱- اهداف و کاربرد های تحقیق:

کلمه غفلت و نقش مهم آن در آیات و روایات از مهم ترین اهداف این تحقیق است. همچنین بیان آثار و اسباب های ناشی از غفلت بر روی فرد و جامعه و رابطه آن با روان شخص هدف دیگری است که در این تحقیق پیگیری می شود. تبیین نقش غفلت و عوامل آن و پیامدها مثبت و منفی بر روی فرد و عواقب ناشی از آن از کار کرد های این تحقیق هستند.

۵-۱-۱- سوال های تحقیق:

۱. معنی و مفهوم غفلت از منظر قرآن چیست؟

۲. بین غفلت و آثار روحی و روانی در فرد چه رابطه ای وجود دارد؟

۳. کارکرد های غفلت و غفلت ورزیدن و آثار آن در زندگی دنیوی و اخروی چیست؟

۶-۱-۱- فرضیه های تحقیق

غفلت در قرآن به ۳ معنی مطرح شده است:

۱- غفلت بد (یونس/۹۲)

۲- غفلت خوب (نور/۲۳)

۳- غفلت طبیعی به معنای بی اطلاعی

۷-۱-۱- ساختار تحقیق :

این تحقیق شامل دو بخش کلی می باشد که بخش اول دارای دو فصل و بخش دوم دارای سه فصل است. فصل اول کلیات و فصل دوم تعاریف تحقیق است که در این فصل واژه ی «غفلت» از نظر لغوی و اصطلاحی و انواع غفلت در نگاه قرآن شرح داده شده است و بخش دوم نیز شامل سه فصل است که فصل اول آن عوامل غفلت و فصل دوم پیامدها و آثار غفلت و فصل سوم درمان غفلت است که در هر فصل عواقب مثبت و منفی آن آورده شده است.

۸-۱-۱- روش تحقیق :

این پژوهش به روش توصیفی و به شیوه کتابخانه ای می باشد.

فصل دوم :

تعاریف

۱-۲-۱- معنای غفلت:

-در موردی استعمال می شود که چیزی موجود و حاضر بوده و به آن توجه نشده است.(فرهنگ جاودان المیزان/۴۲۳)

-خطایی که به خاطر عدم محافظت و هوشیاری از انسان سر میزند(المفردات الفاظ قران)

غفلت در قران به ۳ معنی مطرح شده است(تفسیر نور/جلد ۴/۱۴۹)

۱- غفلت بد(یونس/۹۲)

۲- غفلت خوب(نور/۲۳)

۳- غفلت طبیعی به معنای بی اطلاعی

۱-۲-۲- غفلت در قران :

۱-۲-۳- وارستگی خدا از غفلت:

« ولقد خلقنا فوقكم سبع طرائق وما كنا عن الخلق غفلين »(مومنون/۱۷) و « وقل الحمد لله سیریکم /یتہ فتعرفونها و ما ربک بغفل عما تعملون »(نمل/۹۳)

ما از کار افرینش و حال و روز آنچه افریده ایم بی خبر نیستیم چرا که ما هفت اسمان بر سر آنان افریدیم و نیز خورشید و ماه و ستارگان را بر فرازشان فروغ افکن ساختیم و همه آن را از روی آگاهی و مصلحت و بر اساس حکمت افریده و به روند کار و حال آنها آگاهییم.

(مجمع البیان/جزء ۱۸/۴۰۲)

تکیه بر روی عنوان خلق شده به این است که مسأله افرینش و خلقت به خودی خود دلیل علم افریدگار و توجه او به ان است. مگر می شود افریننده از افریده خود غافل باشد. در تفسیر منظور این است که ما راه های فراوانی برای امد و شد فرشتگان بر فراز شما قرار دادیم و از حال شما غافل نیستیم و فرشتگان شاهد و ناظر اعمال شمایند (نمونه/ج ۱۴/۲۱۷) لذا نظارت دایمی خداوند از شؤون ربوبیت اوست (ما ربک بغافل) نور/ج ۶/۴۷۱

۴-۲-۱- غافل گیر کردن انسان ها خلاف سنت الهی:

«ثم لاتینهم من بین ایدیههم ومن خلفهم وعن ایمانهم و عن شمائلهم ولا تجد أكثرهم شاكرين» (اعراف ۱۷)

میثاق فطرت و خداجویی برای اتمام حجت بر بندگان است (نور ۲۲۹)

خداوند دلایلی برای انسان ها دال بر ربوبیت و یکتایی خویش ارائه کرد و خرد و بصیرتی را که خداوند در وجود آنان به ودیعت گذاشته بود بر آنان گواهی داد و ان دلایل را مایه شناخت گمراهی از راهیابی قرار داد و تو گویی که آنان را بر خویشتن گواه ساخته و از آنان اقرار گرفته و به آنان فرموده من پروردگار شما نیستم؟ و آنان در پاسخ گویند آری پروردگار مایی و ما در این باره گواهی می دهیم و اعتراف به یکتایی تو می کنیم (کشاف/ج ۲/۲۳۴)

امام علی (ع) درباره حجت های الهی در روی زمین چنین می فرماید: علم و دانش با حقیقت بصیرت به آنها روی آورده و روح یقین را لمس کرده اند آنچه دنیا پرستان ان را مشکل می شمارند برای آنها اسان است و به آنچه جاهلان از ان وحشت دارند انس گرفته اند در این دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوسته آنها خلفای الهی در زمینند و دعوت کنندگان به ایین خدا. (نمونه/ج ۲۲/۲۶۱)

۵-۲-۱- وارستگی پیامبران از غفلت:

«وإِذَا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (اعراف ۲۰۰)

آنچه از ایه استنباط می شود استمرار بر ذکر خدا در دل است در حالت تضرع و خفیفه ساعت به ساعت و ذکر به زبان در صبح و شام (ولا تکن من الغافلین). این جمله تأکید امر به ذکر در اول ایه است و در آن از خود غفلت نهی نکرده بلکه از داخل شدن در زمره غافلان نهی فرموده و مقصود از غافلان آن کسانی هستند که غفلت در ایشان مستقر شده است (المیزان/ج ۲/۳۱۱ و ۳۱۲)

همچنین علم غیب به طور مطلق مخصوص خداست اما به اذن الهی پیامبران نیز از علم غیب برخوردارند که در سوره جن ایه ۲۶ نیز آورده شده است و ایمان به غیب زمینه ساز عبادت و توکل بر خداوند است حتی علوم و دانش های کلیدی و اساسی را نباید به هر کسی اموخت اول باید افراد لایق را گزینش کرد و سپس علوم را در اختیار آنان قرار داد و انبیا شاگردان بلا واسطه خداوند هستند (نور/ج ۴/۱۲۸)

و در ایه (و ان كنت من قبله لمن الغافلین) که مقصود پیامبر است منظور از غفلت در اینجا به معنی بی اطلاعی است که خداوند برای حفظ حرمت و احترام پیامبر نمی فرماید (و ان كنت من قبله لمن الجاهلین) (نور/ج ۴/۱۵۰)

بخش دوم :

عوامل ، پیامد ها و درمان غفلت

فصل اول :

عوامل غفلت

۱-۲-عدم ایمان

«ما کان لله ان یتخذ من ولد سبحة اذا قضی امره فانما یقول له کن فیکون» (مریم/۳۹)

این کور دلانی که در غفلتند و ایمان نمی آورند از روز حسرت که همه چیز پایان می گیرد و راه جبران و بازگشتی نیست بترسان که در روز قیامت هم نیکوکاران حسرت می خورند که چرا عمل نیک بیشتری انجام ندادند و هم بد کاران که چرا پرده ها کنار می رود و حقایق اعمال و نتایج آن بر همه کس آشکار می شود (نمونه/ج ۷۲/۱۳) اری مرگ آنان در حال غفلت و بی ایمانی مایه حسرت است (نور/ج ۵/۲۷۰).

۲-۱-۲-دروغ انگاشتن آیات و غفلت ورزیدن

« ساصر ف عن ءیتی الذین.....وکانو عنها غافلین» (اعراف/۱۴۶)

تکبر در اینجا به معنی خود نمایی و خوار انگاشتن بندگان خدا و زیر دست قرار دادن آنان است که هیچ وقت ممدوح نمی شود. انحراف متکبرین دستی و از روی عمد بوده و هیچ عذری از خطا و یا جهل نداشتند و همه این کج روی های ایشان آثار تکذیبی بود که به آیات خدا نموده و از آن غفلت ورزیدند. (المیزان/ج ۱۶/۸۹)

گرچه کتب اسمانی یکی پس از دیگری نازل می گردد و سوره های قرآن و آیات آن هر کدام محتوی تازه و نوی دارد که از طرق مختلف برای نفوذ در دل های غافلان وارد می شود اما چه سود برای کسانی که همه این ها را به شوخی می گیرند. ابن عباس می گوید کافران قرآن را به بازی و تمسخر می شنوند و در غفلت و بی خبری به سر می برند که هدف از افرینش چیست و از آنان چه می خواهند. (نمونه /ج ۳۵۳/۱۲) (مجمع البیان/جزء ۱۷/۳۸)

۳-۱-۲-تکبر

« ساصرف عن ایتی الذین.....وکانو عنها غافلین» (اعراف/۱۴۶)

انسان در انتخاب یکی از دو راه هدایت و گمراهی ازاد است و کسی که تکبر داشته باشد از راه خدا و هدایت و ایمان به آیات الهی محروم می شود که دیگر تکرار ارائه آیات هم سودی نمی بخشد(تکبر با غفلت)(تفسیر نور/ج۴/۱۸۶و۱۸۷)

((ساصرف عن ایتی))چنان که خداوند بر دل های متکبران مهر می نهد و آنان را به خواری می کشاند و در آن اندیشه نمی کنند و از آن پند نمی گیرند و این همه در اثر غفلت و ستیزی است که در اثر فرو رفتن در شهوات آنان را ازپرداختن به آیات خداوندی منصرف می کند(کشاف/ج۱/۲۰۸)

۴-۱-۲-فراموش کردن مرگ :

« لقد كنت فی غفلة من هذا.... » (ق/۲۲)

انسان در روز قیامت با چشم خود می بیند که تمامی اسباب از کار افتاده و همه چیز ویران گشته و به سوی خداوند واحد قهار برگشته است و همه این حقایق در دنیا هم بود اما انسان به خاطر اعتمادی که به اسباب ظاهری داشت از این حقایق غافل شده تا آنکه در روز قیامت این پرده غفلت از جلوی دیدگان او کنار زده شده و اینگونه خطاب می شود (لقد كنت فی غفلة من هذا) تو در دنیا از این هایی که فعلا مشاهده می کنی و به معاینه می بینی در غفلت بودی هر چند که در دنیا جلوی چشمت بود اما دلبستگی به مادیات پرده و حائل بین تو و حقایق شده که سبب غفلت گردید.(المیزان/ج۱۸/۵۲۳)

می توان چنین گفت که منظور از این ایه این است که انسان در دنیا از روز قیامت و حسابرسی غفلت ورزیده و این روز و خاطره اش را به صفحه مغز و ذهن خویش راه نمی داده است چرا که غفلت به مفهوم زدودن و یا زدوده شدن خاطره از ذهن آمده است(مجمع البیان /جزء۲۶/۹۴۴)

۵-۱-۲- کفر:

« و قل الحمد لله... بغافل عما تعملون » (نمل/۹۳)

اختیار حیات دنیا بر آخرت و محرومیت از هدایت خدای تعالی وصف و نشانه کسانی است که خدا بر دل ها و گوش ها و چشم هایشان مهر نهاده و کسانی هستند که غافل نامیده می شوند برای اینکه اینان بخاطر دنیا گرایی و هدف قرار دادن آن و نومیثدی از اهتداء بسوی زندگی آخرت دل از زندگی اخروی شسته و در نتیجه حس و شعور و عقلشان اسیر در چهار چوب مادیات شده و به آخرت توجهی نداشته اند و به آنچه مایه عبرتشان است نمی نگرند و به کلی از آن غافلند و اینکه خداوند آنها را هدایت نکرده به خاطر این است که دل هاشان به دنیا تعلق داشته (المیزان/ج ۱۲/۵۱۱)

غافلان واقعی کسانی هستند که تمام ابزار شناخت را از دست می دهند به گونه ای که پرده های غفلت و بی خبری بر دل و چشم و گوششان محکمتر می شود و دریچه روح او به روی همه حقایق بسته می شود (نمونه /ج ۱۱/۴۲۰) دارایی ها سبب غفلت و غفلت سبب کفر می شود (نور/ج ۵/۲۷)

۶-۱-۲- غفلت از آیات الهی :

« ان الذین لا یرجون عن ایتنا غافلین » (یونس/ ۷)

فراموشی آخرت و ذکر دنیا نمیتواند از غفلت آیات خدا جدا باشد و مضمون این ایه به ایه ۳ سوره النجم نزدیک شد (از کسی که از ذکر ما روگردان است و جز زندگی دنیا نمی خواهد روگردان باش که دانش اینان در همین پایه است خدا حال کسانی را که از راه او گم گشته اند بهتر میداند) علت اینکه مضمون این دو ایه بهم نزدیک است این است که ایه اخیر دلالت بر آن دارد که اعراض از یاد خدا که همان غفلت از آیات الهی است موجب می شود که علم آدمی منحصر به زندگی دنیا و شئونات آن گردد و چیزی جز زندگی دنیا نطلبد و این گمراهی از راه خداست (المیزان/ج ۱۹/ص ۲۶)

از این رو غفلت از آیات الهی سرچشمه بیگانگی از خدا و بیگانگی از خدا سرچشمه عدم احساس مسئولیت و الودگی به ظلم، فساد و گناه است و سرانجام آن چیزی جز آتش نمی تواند باشد ۰ (نمونه/ج ۸/ ۲۹۰)

۷-۱-۲- تعصب و جهل :

« لتندرقوما ما اندرءاباؤهم فهم غافلون» (یس/ ۶)

« يعلمون ظاهرا من الحیوة الدنيا وهم عن الآخرة هم غافلون» (روم/ ۷)

فرقی بین ندانستن یعنی جهل و بین دانستنی ها که از امور مادی تجاوز نمی کند نیست یعنی کسی که علمش تنها در امور مادی است در حقیقت با جاهل فرقی نمی کند و برخی دیگر گفته اند می خواهد علت جهلشان را بیان کند جهل به حقانیت وعده خدا و اینکه امر بدست اوست و این است که کفار حقایق را نمی دانند و علمی ندارند مگر به امور ظاهری دنیا (المیزان/ج ۱۶/ ۲۳۶)

هدف اصلی نزول قرآن این بوده است که مردم غافل را هوشیار و خواب زدگان را بیدار و خطراتی که که آنها را احاطه کرده است و گناهای که در آن فرو رفته اند و شرک و فساد که به آن مبتلا شده اند به آنها یاد اوری کند آری قرآن پایه آگاهی و بیداری و کتاب پاک سازی دل و جان است (نمونه/ج ۱۸/ ۳۱۹).

۸-۱-۲- وابستگی شخصی و مادی

« إقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون» (انبیا/ ۱)

کسانی که تنها از زندگی دنیا آگاهند و تازه از این زندگی نیز به ظاهری قناعت کرده اند مجموعه ای از سرگرمی ها و لذات زود گذر و خواب ها و خیال ها برداشت آنها را از زندگی دنیا تشکیل می دهد و با تکرار ضمیر هم به این حقیقت اشاره می کند که این غفلت و بی خبری خود آنها هستند (نمونه/ج ۱۶/ ۳۶۵)

انها که علم خود را به امور مادی اختصاص داده اند و تنها ظاهری از حیات دنیا را می دانند و به ان دلبسته و ان را فراموش کرده اند و دیگر جایی خالی برای یاد قیامت باقی نگذاشته اند حتی اگر دیگران هم متذکرشان کنند باز متوجه نمی شوند و همچنان در غفلت از قیامت هستند چون آن طور که باید ان را تصور نمیکنند و گرنه دلهاشان متأثر می شد (المیزان/ج ۱۴ و ج ۱۶/۳۴۴ و ۳۶۵)

بنابر این سرگرمی به مسائل بی ارزش انسان را از توجه به مسائل اصلی مثل حساب و قیامت غافل می کند (وهم فی غفلة... لاهیة قلوبهم) (نور/ج ۵/۴۲۳)

۹-۱-۲ حجاب و طبیعت زمان:

«فالیوم ننجینک ببدنکعن ایتنا لغافلون» (یونس/ ۹۲)

امروز بدن تو را از امواج رهایی می بخشیم تا درس عبرتی برای آیندگان باشی برای زمامداران و متکبران و برای همه ظالمان و مفسدان و نیز برای گروه های مستضعف و خداوند جسم بی جان فرعون را از اب نجات داد تا طعمه ماهیان دریا نشود و هم عبرتی باشد برای آیندگان و تعبیر ((لمن خلفک)) ممکن است این احتمال را تقویت کند که بدن فرعون در میان اجساد مومیایی فراعنه که باقی مانده اند وجود دارد تا عبرتی برای همه آیندگان باشد زیرا تعبیر ایه مطلق است و همه آیندگان را شامل می شود اما با این همه آیات و نشانه های قدرت خداوند بسیاری از مردم از آیات و نشانه ها غافلند (نمونه/ج ۸/۳۷۷ و ۳۷۸)

۱۰-۱-۲ پیروی از شیطان

«لتذر قوما ما اندر اباؤهم فهم غافلون» (یس/ ۶)

مراد از پیروی از شیطان اطاعت او در هر دستوری است که به وسیله وسوسه و تزویر می دهد و به طوری که گمراهی او در نفس پیرو ثابت شود و در دلش رسوخ کند و پیروان شیطان چنین کسانی هستند لذا لازمه رسوخ پیروی شیطان در دل این است که چنین کسانی با تمام

توجه قلبی متوجه دنیا شوند و به کلی از آخرت روی بگردانند و چنین حالتی در دل ایشان رسوخ کند(المیزان/ج ۱۷/۹۲)

۱۱-۱-۲- فراموش کردن خدا

« و قل الحمد لله... بغفل عما تعملون » (نمل/ ۹۳)

اعمال شما بندگان در برابر دیدگان پروردگار نهان است پس هیچ چیز از ان فوت نمی شود اگر حکمت اقتضا دعوت و هدایت داشته باشد میکند و اگر اقتضای اضلال و نشان دادن ایات و سپس پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران را داشته باشد انجام می دهد این ایه تهدیدی است پر معنا و هشدار است به همه انسان ها که گمان نکنید اگر خدا کیفر شما را به لطفش به تاخیر می اندازد دلیل این است که از اعمالتان آگاه نیست و یا حساب و کتاب ان محفوظ نمی ماند (المیزان/ج ۱۰/۵۸۰)(نمونه /ج ۱۵/۵۷۷) و غافل از این هستند که خداوند نظاره گر بر تمام اعمال بندگان می باشد در حالی که از یاد خدا غافل شده اند و دل مشغول به کارهای دنیوی شده اند.

۱۲-۱-۲- رابطه هواپرستی و غفلت از خدا:

روح ادمی را یا خدا پر میکند یا هوا که جمع میان این دو ممکن نمی باشد. هواپرستی سرچشمه غفلت از خدا و خلق خدا است هواپرستی عامل بیگانگی از همه اصول اخلاقی است و بالاخره هواپرستی انسان را درخویشتن فرو می برد و از همه حقایق جهان دور می سازد یک انسان هواپرست جز به اشباع شهوات خویش نمی اندیشد آگاهی گذشت، ایثار، فداکاری و معنویت برای او مفهومی ندارد. در ایه نخست غفلت از خدا مطرح است و به دنبال ان پیروی از هوا و جالب اینکه نتیجه ان افراط کاری ان هم به طور مطلق ذکر شده است.(نمونه/ج ۱۲/۴۲۳)

فصل دوم:

پیامد های غفلت

۱-۲-۲-تهاجم دشمن

«قال انی لیحزننی...وانتم عنه غافلون» (یوسف/۱۳)

الف) پرده دری نکنید: پدر یوسف از حسادت فرزندان آگاه بود به همین دلیل به یوسف فرمود خوابی را که دیده ای برای برادرانت تعریف نکن و حسادت آنان را مطرح نکرد بلکه خطر گرگ و غفلت آنان از یوسف را بهانه کرد (نور/ج ۴/۱۶۹)

ب) حساسیت ها را نزد کسی باز گو نکنیم وگرنه ممکن است علیه خود انسان مورد استفاده قرار گیرد

ج) غفلت موجب ضربه و آسیب پذیری می شود

د) غفلت انسان ممکن است به جایی برسد که در عین انحراف و خطا کاری خود دیگران را خطا کار قلمداد می کند (برادران یوسف به جای اینکه خود را حسود و توطئه گر بدانند پدر را منحرف دانستند)

ه) از روز اول بشر به اسم خیر خواهی فریب خورده است شیطان نیز برای اغفال ادم و حوا گفت من خیر خواه شما هستم (انا له لناصحون) حسد ادمی را به گناهایماند دروغ ، نیرنگ، حتی به محبوبترین نزدیکانش وادار میسازد.

و) توطئه گران از نقش احساسات غفلت نمی کنند. در روز محشر خداوند حیات و شعور در بت ها می افریند انچنان که بتوانند حقایق را بازگو کنند ان ها خدا را به شهادت می طلبند که از عبادت عابدان خود غافل بودند چرا که بت های سنگی و چوبی اصلا چیزی نمی فهمند برخی گفته اند معبودی انسانی و شیطانی و یا از فرشتگان است که دارای عقل وشعورند ولی با این حال خبر ندارند گروهی ان ها را پرستش می کنند به خاطر اینکه یا در غیاب انها چنین

عبادتی صورت گرفته و یا پس از مرگ آنها. بنابراین سخن گفتن آنها طبیعی خواهد بود این ایه نظیر ایه ۴۱ سوره سبا می باشد (نمونه/ج ۸/۲۷۲ و ۲۷۳ و ۳۲۹)

۲-۲-۲- دوزخ سرنوشت غافلان در آیات :

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ ... أَوْلَئِكَ هُمُ الْغَفْلُونَ» (اعراف / ۱۷۹)

هدف اصلی افرینش خدا پرستی و عبودیت است ولی نتیجه کار انسان ها در اثر عصیان و طغیان به دوزخ رفتن است و دوزخی شدن بسیاری از انسان ها به خاطر بهره نبردن از سنت های الهی در مسیر هدایت و کمال است زیرا با داشتن چشم و گوش و دل خود را به غفلت زده اند (نور/-/۲۳۸)

پس هر کس غریزه اش غالب بر عقلش شد همانند چهار پایانند از ان حیث که نمی اندیشند و از دیده اعتبار به قضایا نمی نگرند و سخنان را با تدبر نمی شنوند در اوج غفلت هستند برخی مفسران گفته اند که چهار پایان در سود و زیان خود می نگرند و به برخی از اموری که به صلاح آنان است پایبند هستند اما اینان بسیارشان با ان که می دانند ستیز با دعوت پیامبران فرجامی جز رسیدن به دوزخ ندارند باز از ان دست بر نمی دارند (کشاف/۳۶/۲۳۸) غفلت از آیات الهی سرچشمه بیگانگی از خدا، سرچشمه عدم احساس مسئولیت و الودگی به ظلم و فساد و گناه است و سر انجام ان چیزی جز آتش نمی تواند باشد (نمونه/ج ۸/۲۹۰)

۳-۲-۲- پشیمانی:

«وَانذِرْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ...» (مریم / ۳۹) و (انبیا/ ۹۷)

غفلت از قیامت مایه ستم به خود و دیگران است (نور/ج ۶/۴۹۶)

و کافران زمانی که قیامت را مشاهده می کنند به خود نفرین می کنند و ادعا می کنند در غفلت می زیسته اند گویی اول ادعا می کنند که ما را غافل کردند و سپس اعتراف می کنند به اینکه غفلت ناشی از ظلم خودشان بوده که به کارهایی مشغول شدند که آخرت را از یادشان می برده و غافلشان می ساخته (المیزان /ج ۱۴/۴۶۱)

اصولاچگونه ممکن است با وجود این همه پیامبران الهی و کتب اسمانی و این همه حوادث تکان دهنده و همچنین درس های عبرتی که روزگار به ان ها می دهد در غفلت باشند آنچه از ان ها سر زده تقصیر است و ظلم به خویشان و دیگران (نمونه/ج ۱۳/۵۰۴)

۴-۲-۲- انحطاط و سقوط :

«ومن اضل ممن يدعو... عن دعائهم غفلون» (احقاف/۵)

این ایه در ترسیم عمق گمراهی و اصلاح ستیزی شرک گرایان را نمی دهند که ندا و صلاي آنان را نیز نمی شنوند و از حال و روز آنان بی خبرند.

انسان گام به گام سقوط میکند اول غفلت، انگاه هوسرانی و سپس مسیر انحرافی (اغفلنا، اتباع هواه، کان امره فرطا) (نور /ج ۵/۱۶۴)

۵-۲-۲- یأس :

«فکفی بالله شهيدا... عن عبادتکم لغفلین» (یونس/۲۹)

در اوج نا امیدی و گرفتاری خدای یکتا را از روی اخلاص می خوانند و دیگر از معبود های دروغین و بت های ساخته خویش نامی نمی آورند چرا که در می یابند که در چنین شرایط هولناکی که از ان معبود های دروغین هیچ کاری ساخته نیست (دعو الله مخلصین له الدین) (مجمع البیان/جزء ۹/۱۹۰)

فصل سوم :

در مان غفلت

۱-۲-۳- یاد قیامت:

روز قیامت روزی است که در آن روز، پرده غفلت از جلو چشم بصیرت آدمی کنار می‌رود و در نتیجه حقیقت امر را مشاهده می‌کند و آنچه خدا برای فردای قیامت انسان تهیه دیده از همان روزی تهیه دیده که انسان در دنیا بوده چیزی که هست از چشم بصیرت او پنهان بوده مخصوصاً از همه بیشتر این حقیقت برای او پنهان بوده که روز قیامت روز کنار رفتن پرده ها و شاهد پشت پرده است. (المیزان/ج ۱۸/۵۲۴)

پس اگر آدمی با در نظر گرفتن صحنه هایی که در روز قیامت قرار است در برابر دیدگان او نمایان شود در این دنیا انچنان زندگی می‌کند که پشت پرده زندگیش در روز قیامت به بهترین شکل به تصویر کشیده شود .

۲-۲-۳- یاد نعمت ها:

« يعلمون ظهرا من الحيوة...عن الآخرة هم غفلون » (روم/۷)

مراد از حق بودن خلقت آسمان و زمین این است که عبث و بی نتیجه نبوده بلکه به خاطر غایت و نتیجه ای بوده که خداوند آن را افریده است پس گناه مکنید که سر انجام کسانی که قبل از شما گناه کردند این شد که بزرگترین گناهان یعنی تکذیب آیات خدا و استهزای آن دچار شدند (المیزان/ج ۱۶/۲۴۰) رهبران باید پیوسته نعمت های الهی را یاد اوری کنند تا مردم دچار غفلت نشوند (واذ نجیناکم)

۳-۲-۳- ذکر خدا

خداوند هم خالق است هم ناظر (عالم محضر خداست) و افريدن و تدبير جهان هستی مدیریت دائمی لازم دارد (نور/ج ۶/۸۹) بنابراین خداوند گوید شما از ما منقطع و بی ارتباط با ما نیستید و از تحت مراقبت ما بیرون نمی باشید بلکه این راه های هفت گانه میان ما و شما نصب شده تا فرستادگان ملکی ما دائماً در نزول و صعود می باشند و امر ما به سوی شما و اعمال شما را به سوی ما بیاورند (المیزان/ج ۱۵/۲۸)

از این رو روا نیست که ما بندگان با تمام نعمتی که خداوند در اختیار ما انسان ها قرار داده او را عبادت نکرده و مقررات دینی و انجام نماز و روزه و نیایش با خدا بی خبر باشیم و رسم عبادت خداوند را فرا نگیریم هرکس بر خدا توکل کند مورد لطف او قرار میگیرد (و توکل علیه و ما ربک بغافل) و به جای کمک به ظالم به خدا توکل کنیم چرا که نتیجه تکیه بر ستمگران غربت و تنهایی است (مالکم من دون الله من اولیا ثم تنصرون). چرا که مومنان واقعی انانی اند که اگر در زمین به آنان مکت و قدرت بخشیم نماز را به پا میدارند و زکات میپردازند (نور/ج ۴/۱۳۸)

یاد خدا زمانی غفلت زدایی می کند بدون تظاهر و سر و صدا باشد و گرنه خودش نوعی سرگرمی و غفلت می شود (ولا تکن من الغافلین) از کسانی نباش که از یاد خدا غفلت می ورزند و جدی نمی گیرند. (کشاف/ج ۳/۲۵۲)

۴-۲-۳- موعظه، پند، اندرز، مهلت:

خداوند عالم است و هم قادر و هم به عملکرد ستمگران عالم لیکن تاخیر کیفر به خاطر آن است که دنیا ظرفیت پاداش و کیفر کامل را ندارد و سنت خداوند بر این است که بندگان را مهلت دهد تا اگر قابلیت داشته باشد توبه کنند و اگر قابل نبودند در قیامت به حسابشان برسد مهلت دادن نشانه غفلت خداوند با رضایت پروردگار از آنان نیست بلکه بر اساس یک نیست و حکمت است (ولا تحسبن الله غافلاً)

(تفسیر نور/ج ۴/۴۲۹، ۴۲۷)

۵-۲-۳- عبرت از تاریخ:

حضرت علی (ع) در نامه ۳۲ نهج البلاغه به امام حسن می فرمایند: فرزندم من در سرگذشت گذشتگان چنان مطالعه کرده ام و به آنها اگاهم که گویا با آنان زیسته ام و به اندازه آن ها عمر کرده ام (تفسیر نور/ج ۴/۱۴۷)

تفاوت داستان های قرآن با سایر داستان ها: (نور/ج ۴/۱۴۸)

۱. قصه گو خداوند است (عن نقص) هود ۱۲۰

۲. هدفدار است (نقص علیک... فوادک) کهف ۱۳

۳. حق است نه خیال (نحن نقص... بالحق) اعراف ۱۷۶

۴. بر اساس علم است نه تحذیر

۵. وسیله عبرت است نه تفریح و سرگرمی (لقد کان فی قصصهم عبرة) یوسف ۱۱۱

۶-۲-۳- یاد اوری دائمی هدف :

هدف اصلی افرینش خدا پرستی و عبودیت است ولی نتیجه کار انسان ها در اثر عصیان و طغیان به دوزخ رفتن است و هر کس عقلش بر غریزه اش غالب شد از فرشته برتر است و هر کس غریزه اش غالب بر عقلش شد از حیوان پست تر است. و میثاق فطرت و خداجویی برای اتمام حجت بندگان است طبق روایات پس از خلقت ادم همه فرزندان او از ذرات ریز و با شعور از پشت او بیرون آمده مورد خطاب و سوال الهی قرار گرفتند و به ربوبیت خدا اعتراف کردند سپس همه به صلب و گل ادم برگشتند تا به تاریخ و به طور طبیعی به این جهان بیایند این عالم را عالم زر و آن پیمان را پیمان الست با عالم است میگویند. (نور/ج ۳/۲۲۴).

نتیجه گیری:

غفلت به طور کلی عدم توجه و بی توجهی را می رساند مورد خطاب غفلت همه انسان ها هستند به جز پیامبران که از غفلت دور می باشند عامل مهمی که باعث غفلت می شود پیروی از وسوسه های شیطانی است که در بسیاری از موارد ادمی نقش به سزایی دارد زیرا در آخرت دست فرد از همه جا کوتاه است لذا پیشگیری در هر امری بهتر از درمان است و اگر در امر غفلت فرد راه پیشگیری را دنبال کند در دام غفلت نمی افتد علاوه براینکه غفلت در این دنیا گریبان فرد غافل را می گیرد پیامد های اخروی را نیز در بر دارد که سخت تر از پیامد های دنیوی است و پیامدهای آن چه بسا از یاد خدا غافل شدن و خدا را فراموش کردن که بدترین مرتبه غفلت است چرا که این غفلت به خودی خود به فراموشی می انجامد.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه خداپرست، زیر نظر حقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۷
- ۳- تاج الدینی، علی، فرهنگ جاودان المیزان، تهران، مهاجر، ۱۳۸۲
- ۴- زمخشری، محمد بن عمر بن محمد، کشاف، ترجمه مسعود انصاری، ققنوس، مجلد ۳، ۱۳۸۹
- ۵- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲
- ۶- طبرسی، فضل بن حسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲
- ۷- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس، الفاظ القرآن الکریم
- ۸- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۸
- ۹- معادی خواه، عبدالمجید، فروغ بی پایان، تهران، نشر ذره، ۱۳۷۸
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸